



Children's Right to the City (Comparison in two privileged and impoverished regions of ermanshah city)

Mohammad Farhadi¹ | Arash Shahbazian² | Tina Lotfollahzadeh³

1. Corresponding author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: ma.farhadi@razi.ac.ir
2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: arash6569@gmail.com
3. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: tina.lotfollahzadeh@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 07 May 2023 Received: 21 August 2023 Accepted: 16 September 2023 Published online: 22 September 2023</p> <p>Keywords: Right to the city, Children, Kermanshah, Political Economy, Inequality.</p>	<p>The primary focus of this paper is a comparison of the rights of children in two privileged and impoverished regions of Kermanshah in relation to the metropolis. We argue that the enjoyment of the right to the city extends beyond physical infrastructure and spatial boundaries, contingent upon the macroeconomic dynamics of the political economy of the community. The article's theoretical framework employs an analogy to establish the definition of childhood, which is predicated on these connections and the incorporation of the elements comprising the right to the city of children.</p> <p>This is a critical research method that reveals the concealed implications of data by rereading them through the lens of economic and political relations. Field observation was employed to gather data at the locations of the two regions being compared.</p> <p>The study's findings reveal a statistically significant distinction between the two districts with regard to the physical and spatial aspects of the children's civic right. District 1 contains 12 parks catering to children, encompassing a total area of 134,000 square meters and featuring 94 recreational equipments. District 7 comprises a total of six parks, each spanning 56,000 square meters and featuring 31 playground equipments. District 7 contains a single private amusement facility, compared to four in District 1. District 1 contains 91 private institutions, while District 7 contains 17.</p> <p>The research findings indicate that while there are variations in the provision of entertainment, games, education, and food, addressing this inequality goes beyond physical and spatial constraints. Reducing societal inequality as a whole necessitates a reevaluation of established economic and political structures.</p>
<p>Cite this article: Farhadi, M., Shahbazian, A., & Lotfollahzadeh, T. (2023). Children's Right to the City in Kermanshah (Study of Districts 1 and 7). <i>Quarterly of Social Studies and Research in Iran</i>, 12(3),447-462. https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358916.1400</p>	
<p> © The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press.</p>	
<p>DOI: https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358916.1400</p>	



حق بر شهر کودکان

(مقایسه در دو منطقه برخوردار و نابرخوردار شهر کرمانشاه)

محمد فرهادی^۱ | آرش شهبازیان^۲ | تینا لطف‌الله‌زاده^۳۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: ma.farhadi@razi.ac.ir۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: arash6569@gmail.com۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: tina.lotfolahzadeh@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مسئله اصلی تحقیق حاضر، مقایسه حق بر شهر کودکان در دو منطقه برخوردار و نابرخوردار شهر کرمانشاه است. از این منظر، با معرفی امکانات کالبدی و فضایی حق بر شهر کودکان در دو منطقه، استدلال می‌کنیم که بهره‌مندی از حق بر شهر فراتر از فضا و کالبد، موکول به مناسبات کلان اقتصاد سیاسی جامعه است. بر همین قیاس، رویکرد نظری مقاله، تعریف کودکی براساس همین مناسبات و معرفی مؤلفه‌های حق بر شهر کودکان است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۷	روش تحقیق انتقادی است که متکی بر بازخوانی داده‌های موجود از منظر مناسبات اقتصاد سیاسی و افشای دلالت‌های پنهان آن‌ها است. روش جمع‌آوری داده‌ها مشاهده میدانی محله‌های دو منطقه مورد مقایسه بوده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۵/۳۰	براساس داده‌های تحقیق، در منطقه ۱، تعداد ۱۲ پارک مجهز به وسایل بازی کودکان با ۱۳۴ هزار مترمربع مساحت وجود دارد که این تعداد در منطقه ۷ تعداد ۶ پارک با ۵۶ هزار مترمربع مساحت است. چهار شهرسازی خصوصی در منطقه ۱ و یک شهرسازی خصوصی در منطقه ۷ وجود دارد. ۹۱ مدرسه خصوصی در منطقه ۱ و ۱۷ مدرسه خصوصی در منطقه ۷ دایر است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۵	براین اساس نتیجه تحقیق حاکی از تفاوت چشمگیر در مؤلفه‌های فضایی و کالبدی دو محله در زمینه حق بر شهر کودکان است. این مقاله استدلال می‌کند اگرچه دو محله در مقایسه امکانات سرگرمی، بازی، آموزش و اغذیه متفاوت هستند، رفع این نابرابری فراتر از امری کالبدی-فضایی و موکول به کاهش نابرابری عمومی در جامعه و مستلزم بازاندیشی مناسبات اقتصاد سیاسی موجود است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۳۱	
کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، حق بر شهر، کرمانشاه، کودکان، نابرابری.	

استناد: فرهادی، محمد؛ شهبازیان، آرش و لطف‌الله‌زاده، تینا. (۱۴۰۲). مقایسه حق بر شهر کودکان کرمانشاه (مطالعه مناطق ۱ و ۷). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳ (۳)، ۴۴۷-۴۶۲. <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358916.1400>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358916.1400>

۱. مقدمه و طرح مسئله

کودکان بخش مهمی از جمعیت، عاملان آینده‌نهادهای اجتماعی و نقطه عطف تغییرات جامعه محسوب می‌شوند. با این همه در جامعه‌شناسی توجهی را که به لحاظ نظری و تجربی شایسته آن بوده‌اند کسب نکرده‌اند. فضای سیاسی تکوین کودکی و محیط زندگی کودکان، محور مهمی در جامعه‌شناسی کودکی است. از این منظر شهر به مثابه طبیعتی مصنوع، نقش مهمی در رشد کودکان دارد. شهر به‌عنوان سازه‌ای بشری، تحت تأثیر مناسبات مسلط شکل می‌گیرد و سهم کودکان از فضاهای شهری، بسته به مناسبات اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای متفاوت است. توصیف و تبیین این تفاوت‌ها ذیل مفهوم «حق بر شهر» و تأثیر آن بر کودکان، هدف اصلی این نوشتار است.

از منظر حق بر شهر، کودکان حق بازسازی فضای شهر برای خود را دارند، اما تحقق این وضعیت به مناسباتی فراتر از اراده کودکان وابسته است. کودکان عموماً انسان‌هایی فاقد عاملیت و نیازمند حمایت و تربیت هستند. در واقع اثرگذاری بر فضای شهری نیازمند عاملیت و قدرت سیاسی و اقتصادی است که کودکان فاقد آن هستند و از این جهت تحت تأثیر وضعیت خانواده خود قرار دارند. از آنجا که فضای شهر متکی بر اقتصاد سیاسی است، حق بر شهر کودکان نیز تابعی از این مناسبات است. به این ترتیب مسئله اصلی در حق بر شهر کودکان، مشاهده و مطالعه جایگاه آن‌ها در این مناسبات است. همچنین اثر این ترتیبات بر فضای شهری که کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سهم آن‌ها از شهر را تعیین می‌کند، محور مطالعه حق بر شهر کودکان محسوب می‌شود. پرسش از حق بر شهر کودکان به مناسبات بنیادی و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه راه می‌برد و کاوش پیچیدگی‌های نظری را نیز ضروری می‌سازد. بخشی از این پیچیدگی مربوط به درهم‌تنیدگی سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است که از منظر اقتصاد سیاسی قابل تحلیل است.

در مناسبات موجود، کودکان محل سرمایه‌گذاری هستند و هدف اصلی از تربیت، آمادگی آن‌ها برای ایفای نقش‌هایی است که برایشان در نظر گرفته شده است. بر این اساس کودکان ابزار بازتولید مناسبات موجود هستند و به مثابه سوژه‌های آینده نظم مستقر تربیت می‌شوند. این امر گویای اهمیت دوران کودکی در فرایند زندگی انسان‌ها است. با این اوصاف، دلالت مفهوم کودکی، موقوف به مناسباتی است که حول آن تنیده شده است. در جامعه کشاورزی، کودکی از شش سالگی پایان می‌یابد و در جامعه صنعتی تا هجده سالگی ادامه دارد. این تمایزها در فضای شهر نیز بازتاب می‌یابد و کودکان در طبقات اجتماعی مختلف، فضای شهری متفاوتی را تجربه می‌کنند که با مفهوم حق بر شهر قابل تحلیل است. این مقاله در پی مطالعه حق بر شهر کودکان در شهر کرمانشاه از این منظر است.

کرمانشاه به مثابه شهری پیرامونی و در مسیر توسعه، دستخوش تغییرات دامنهداری است که کودکان نیز از آن مصون نیستند. مطالعه وضعیت کودکان از این منظر سازوکارهای وضع موجود را آشکار و چشم‌انداز آتی این شهر را روشن‌تر می‌سازد. بررسی وضعیت کودکان از منظر حق بر شهر به سایر مناسبات جاری نیز راه می‌برد و به مثابه پاره‌ای از پازل، به فهم ساختارهای مسلط در کرمانشاه کمک می‌کند و مسیر تحقیقاتی از این دست را درباره زنان، کودکان، سالمندان و سایر گروه‌های به‌حاشیه‌رانده را هموار می‌سازد.

۲. مبانی نظری

تحت تأثیر اقتصاد سیاسی مدرن که انسان مولد در مرکز توجه آن قرار دارد، کودکان نیز به‌عنوان نیروی کار بالفعل یا بالقوه، فقط در رابطه با مناسبات تولید مورد توجه بوده‌اند^۱. تنها در پایان نیمه اول قرن نوزدهم و تحت تأثیر جنبش چارتریسیم، کار کودک از امری نرمال به مسئله‌ای قابل تأمل بدل شد (هندریک، ۱۹۹۷: ۳۸).

۱. متأثر از این مناسبات، فلسفه مدرن نیز فقط مرد بالغ را شایسته مطالعه می‌دانست و زنان و کودکان از این دایره بیرون بودند.

از زمانی که کودکان به‌عنوان نیروی کار دیده می‌شدند تا زمانی که به افراد نیازمند تربیت و آموزش برای امتداد نظم مستقر بدل شدند، مفهوم کودکی معنای یکسانی نداشته است. «طی قرن نوزدهم، تحت تأثیر... پیامدهای اقتصادی و اجتماعی انقلاب صنعتی، رشد زندگی شهری، سیاست طبقات، کشف مجدد فقر، امپریالیسم و انقلاب در علوم اجتماعی، فهم و معنای جدیدی از [کودکی] شکل گرفت» (همان: ۳۴). با آغاز قرن بیستم، کودک با توجه به وضعیت طبقه متوسط و طبقه کارگر آبرومند تعریف و به‌لحاظ حقوقی، قانونی، اجتماعی، پزشکی، روان‌شناختی و سیاسی نهادینه شد. «تا پیش از دهه ۱۸۸۰ تنها کودکان کار یا بزه‌کار موضوع مطالعه بودند، اما با تأسیس مدارس عمومی، کودکان به‌طور عام از سوی روان‌شناسان، پزشکان، متخصصان آموزش و جامعه‌شناسان مورد توجه قرار گرفتند» (همان: ۴۵) که از دهه ۱۸۸۰ تا سال ۱۹۱۴ به طول انجامید و از آن با عنوان «جنبش مطالعه کودک» یاد می‌شود.

کودکی به‌مثابه یک نهاد، همواره تحت تأثیر مناسبات اقتصادی و سیاسی مسلط بوده و با تغییر این ترتیبات مورد بازاندیشی قرار گرفته است. علم و به‌طور خاص پزشکی و روان‌شناسی نیز به‌مثابه برآیند این مناسبات، نقش شایانی در تعریف و بازتعریف کودکی داشته‌اند (بویدن^۱، ۱۹۹۷). عدم دخالت کودکان در فرایند تولید و به‌تبع آن سیاست سبب شده کودکان به ابژه صاحبان این ابزارها بدل شوند که عاملیت را از کودکان سلب کرده و به برساخته بزرگسالان از منظر حقوق، سیاست، علم و تربیت بدل کرده است. این وضعیت برآمده از نگاه تقلیل‌گرا به نقش کودکان در مناسبات تولید است که از رهگذر پزشکی‌سازی در علم پزشکی و روان‌شناسی‌سازی تثبیت شده است. این تلقی موجب شکل‌گیری قیمومت مالی، سیاسی، احساسی و فکری برای کودکان شده که از خانواده تا سیاست کلان امتداد دارد (ن.ک: غلامی و غلامی، ۱۳۹۹).

از منظر جامعه‌شناختی، کودکی برساختی اجتماعی است که قابل‌تفکیک از سایر متغیرهای اجتماعی مانند طبقه، جنسیت و قومیت نیست. نگاه جامعه‌شناختی نیز بخشی از فرایند برساخت کودکی است و ابژه‌دایی از کودکان، عاملیت‌بخشی به آنان و تأسیس نهاد کودکی به‌جای بازنمایی محض، از مقتضیات جامعه‌شناسی در موضوع کودکی است (پراوت و جیمز^۲، ۱۹۹۷).

حق‌برشهر کودکان و مختصات آن، بخشی از این فرایند برای برابری، بازگرداندن عاملیت به کودکان و به‌رسمیت‌شناختن آن‌ها به‌مثابه شهروندانی است که باید دیده شوند و صدای آن‌ها شنیده شود. از نظر لفور^۳، «حق‌برشهر به نیاز به فعالیت خلاقانه (نه فقط تولید مادی برای معاش) برای تولید اثر ذوقی و احساسی، یادگیری و رشد، خیال‌پردازی و بازی دلالت دارد» (لفور^۳، ۱۹۹۶). به این ترتیب حق‌برشهر امری فراتر از کالبد شهر و به دربرگیری و شمول همگانی آن فارغ از سن، جنس و طبقه شهروندان مربوط است. شهر براساس تحقق تاریخی، مأمّن سوداگری و تولید ارزش مبادله است که به بیگانگی آدمیان راه می‌برد. لفور مفهوم حق‌برشهر را برای بازپس‌گیری فضا از سوداگران طرح می‌کند و «حق خلق اثر، مشارکت و فتح شهر^۴» (همان: ۷۳) را از مؤلفه‌های آن معرفی می‌کند.

هاروی^۵ حق‌برشهر لفور را «حق تغییر خودمان از رهگذر تغییر شهر» (هاروی^۵، ۲۰۰۸) می‌داند و آن را فرایندی فراتر از دسترسی به منابع یا حتی آزادی فردی ارزیابی می‌کند. او شهر را تجلی جغرافیایی و اجتماعی تمرکز تولید افزوده می‌داند. «شهری‌شدن همیشه سامانی طبقاتی داشته که محصول زه‌کشی ارزش از جایی یا کسی به جای دیگر و دستان افراد محدودی است» (همان). از این نظر، اهمیت قطبی‌شدن فضای شهری به نفع عده‌ای محدود آشکار می‌شود و حق‌برشهر تحلیل همین فرایند و مقابله با آن است.

1. Boyden
2. Prout & James
3. Lefebvre

۴. تخصیص (appropriation) اختصاص شهر و فضای شهری به شهروندان است و در مقابل مالکیت افراد یا گروه‌های خاص بر فضاهای شهری طرح می‌شود.

5. David Harvey
6. Harvy

با این اوصاف اطلاق حق برشهر به کودکان، به رسمیت شناختن این گروه در فضای شهر است. فضای شهر هم وجوه کالبدی و هم اجتماعی را دربرمی‌گیرد و به‌جز تأسیسات خاص کودکان، در نظر گرفتن آنان در مناسبات کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهر را نیز شامل می‌شود. برابری و عدم تبعیض، مشارکت واقعی کودکان در تصمیمات شهری، خدمات خاص کودکان، امنیت و ایمنی محیط، حکمرانی معطوف به کودک، زندگی جمعی و بازی و فراغت، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأمین حق برشهر کودکان است. جست‌وجوی این معیارها در آمریکا به تأسیس شورای جوانان در شهرها منجر شده است (کاشینگ و ولیت، ۲۰۱۶: ۴).

تحت تأثیر این بحث‌ها و جنبش‌های شهری مقارن آن، توجه به حق گروه‌های اجتماعی مختلف از فضای شهری به نهادهای سیاست‌گذاری سرایت کرد. یونیسف (۲۰۱۸) مفهوم حق برشهر را با مفهوم شهر دوستدار کودک معرفی و مختصات آن را توصیف می‌کند که می‌تواند به‌مثابه نقطه شروع تحلیل حق برشهر کودکان مورد استفاده قرار گیرد: ۱. کودکان از استثمار، خشونت و سوءاستفاده در امان هستند؛ ۲. از امکانات سلامتی و مراقبت در فرایند رشد برخوردار هستند؛ ۳. به خدمات اساسی زندگی دسترسی دارند؛ ۴. در آموزش و فراگیری مهارت‌ها، برابری و مشارکت و پذیرش برابر را تجربه می‌کنند؛ ۵. امکان اعلان نظر و تصمیم‌گیری در مسائل مربوط به خودشان را دارند؛ ۶. زندگی مشارکتی در خانواده، همسایگی، جامعه و زندگی اجتماعی را دارند؛ ۷. در محیطی بدون آلودگی و ایمن و دارای فضای سبز کافی زندگی می‌کنند؛ ۸. امکان دیدار با دوستان و بازی با آن‌ها در محل مناسب بازی را دارند؛ ۹. فارغ از قومیت، مذهب، درآمد، جنسیت و وضعیت بدنی‌شان، دسترسی برابر به امکانات زندگی دارند.

این ابعاد در کشورهای مختلف آزمون شده است (آیتک، ۲۰۲۱: ۲). اما برخی حقوق کودکان در جهان اسلام را بازتعریف کرده‌اند (ن.ک: جمشیدی‌ها و شعبان، ۱۳۹۹).

در ایران نیز سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور (۱۳۹۷) دستورالعمل شهر دوستدار کودک را تصویب و ابلاغ کرد. مهم‌ترین اهداف این سند، ایجاد بسترهای لازم برای بروز استعداد و خلاقیت‌های کودکان و نوجوانان در شهر، توسعه، سطح‌بندی و نظام‌مندسازی فضاهای فعالیتی کودکان در شهر، زمینه‌سازی و تشویق مشارکت کودکان در مدیریت و طراحی شهر، تأمین امنیت و ایمنی و همه‌شمولی فعالیت‌های مربوط به بازی و شادی کودکان، کمک به ارتقای سلامت جسمی و روانی کودکان هستند (وزارت کشور، ۱۳۹۷: ۴). این تعبیر از شهر دوستدار کودک نیازمند بازاندیشی مناسبات کلان اقتصادی و سیاسی است و همین نقطه محل پیوند آن با مفهوم حق برشهر کودک است. تأمین حق برشهر مستلزم دسترسی برابر به حق آموزش، تحصیل، سرپناه، خودشکوفایی و سلامت است.

کرمانشاه به‌عنوان شهری رو به گسترش نیازمند فهم مناسبات تعیین‌کننده روندهای آتی است که حق برشهر کودکان بخشی از آن برای بازاندیشی فضای شهری به‌شمار می‌رود. در این مطالعه حق برشهر کودکان در کرمانشاه مطالعه می‌شود و با توصیف وضع موجود در دو محله و مقایسه آن‌ها، منطق تحقق حق کودکان بر شهر معرفی می‌شود.

۳. روش پژوهش

روش و مسئله تحقیق در تناظر با هم قرار دارند. مسئله این تحقیق، تحلیل عناصر حق برشهر کودکان از منظر سازوکارهای تحقق آن است؛ اینکه کدام مناسبات اجتماعی و اقتصادی تحقق حق کودکان بر شهر را توضیح می‌دهند؟ این مناسبات براساس چه منطقی در شهر توزیع شده و عمل می‌کنند؟ برای نشان دادن سازوکارها و توضیح عملکرد این عناصر، مقایسه مناطق شهر کرمانشاه برای توجیه

ادعای پژوهش ضروری می‌نماید؛ بنابراین راهبرد مقایسه که جان‌مایه جامعه‌شناسی محسوب می‌شود (برور^۱، ۲۰۰۳)، در این پژوهش به‌عنوان طرح تحقیق به‌کار گرفته می‌شود. در این رویکرد، شباهت‌ها و تفاوت‌های موارد بررسی و با نظریه متبوع تبیین می‌شوند (ژاپ^۲، ۲۰۰۶). از این منظر روش این مقاله انتقادی است که سازوکار آن، کشف دلالت‌های پنهان داده‌ها در پرتو نظریه است. روش انتقادی، ترتیبات ساختاری نابرابری و روابط قدرت را افشا می‌کند (مانیس^۳، ۲۰۰۶: ۵۱).

روش انتقادی به نوع داده حساس نیست و از انواع داده‌های موجود بهره می‌برد. بخش عمده داده‌های تحقیق از طریق مشاهده فراهم شده است. حق‌برشهر کودکان موضوع شناخته‌شده‌ای برای سازمان‌های خدماتی نیست و داده‌ای برای این موضوع جمع‌آوری نمی‌کنند. از این جهت مشاهده میدانی، تنها راه جمع‌آوری داده‌های ضروری برای این تحقیق است. مضاف بر اینکه تحلیل فضاهای اجتماعی در داده‌های موجود منعکس نمی‌شود و مشاهده محقق آشنا به محیط، برای تفسیر داده‌ها لازم است.

در این تحقیق، دو محله شهر که به‌لحاظ مختصات جمعیتی مشابه هستند، از جهت مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی حق‌برشهر کودکان مقایسه می‌شوند تا تفاوت آن‌ها در این مورد آشکار شود. پس از توصیف دقیق مختصات محله‌ها که خود سطحی از تحلیل است، دلالت این داده‌ها برای توضیح چرایی این تفاوت‌ها در پرتو نظریه تحقیق، تحلیل و بررسی می‌شود. اعتبار این تحقیق متکی بر قوت نظریه است؛ بنابراین سازگاری تحلیل‌ها با رویکرد نظری متبوع، معیار اعتبار این پژوهش است. همچنین دقت در تأمین مفروضات مقایسه برای تأمین اعتبار تحقیق مورد توجه نویسندگان است. درنهایت انسجام استدلالی این مطالعه که پس از عرضه به صاحب‌نظران آزمون می‌شود، معیار نهایی اعتبار مدعیات این مقاله خواهد بود.

۴. تحلیل یافته‌ها

برای عملیاتی کردن حق‌برشهر کودکان نیازمند شاخص‌هایی قابل مشاهده و اندازه‌گیری هستیم که آمار و داده‌های آن‌ها به شکل مشخص تولید نمی‌شود و نیازمند استخراج و فرآوری داده‌های موجود است. داده‌های این تحقیق از مشاهده و اندازه‌گیری شاخص‌ها به‌دست آمده که حاصل بازدید میدانی دقیق از محله‌های مورد بررسی و سرشماری خدمات مربوط به کودک یا اندازه‌گیری واحدهای هریک بوده است.

استان کرمانشاه که در مساحت رتبه ۱۷ و در جمعیت رتبه ۱۳ کشوری را دارد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۴۰۰)، در رتبه بیستم توسعه در کشور (فرهادی و میری، ۱۴۰۲) و یکی از استان‌های محروم مرزی است. براساس شاخص‌های توسعه در سال ۱۴۰۰، شهرستان کرمانشاه به همراه ۱۰ شهرستان دیگر استان در رتبه بسیار محروم و ۳ شهرستان کنگاور، صحنه و قصرشیرین در رتبه محروم قرار داشته‌اند (همان). برای مقایسه وضعیت حق‌برشهر کودکان در کرمانشاه از منظر این پژوهش، برخی محله‌های دو منطقه ۱ و ۷ در کرمانشاه، از لحاظ مؤلفه‌های حق‌برشهر کودکان مقایسه شده‌اند. عدم انتخاب کل محله‌ها به‌خاطر پراکندگی فضایی محله‌ها و ناهمسانی مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی آن‌ها است که داده‌های مورد بررسی را تحریف و دلالت واقعی آن‌ها را پنهان می‌کند.

تعریف کودکی مناقشه‌برانگیز است و جز مقطع سنی، تعاریف کودکی نیز از مناظر مختلف، متفاوت است. کودک در این تحقیق به افراد ۴ تا ۱۴ ساله اطلاق می‌شود تا پیچیدگی مفهوم نوجوانی سبب تحریف دلالت داده‌های تحقیق نشود. براساس تعریف قانونی، افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند که متکی بر تعاریف حقوق و اطلاق اثر قانون بر آن‌ها است. تعریف جامعه‌شناختی متکی بر مناسبات اجتماعی و فرهنگی است و بنابراین در جوامع مختلف ممکن است متفاوت باشد؛ برای مثال در جامعه کشاورزی، کودکی

در شش سالگی پایان می‌یابد، اما در شهرهای صنعتی ممکن است تا بیست‌سالگی هم طول بکشد. جمعیت کودکان ۴ تا ۱۴ ساله در سال ۱۳۹۵ دقیقاً ۱۶ درصد جمعیت استان بود که با توجه به جمعیت ۷۳ هزار نفری محله‌های مورد بررسی، ۱۲ هزار نفر از جمعیت این دو منطقه، کودکان ۴ تا ۱۴ سال بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

هدف اصلی این مقاله، بررسی امکانات عمومی فضاهای شهر کرمانشاه است که برای کودکان مناسب‌سازی شده یا خدمات آن‌ها به کودکان است. حق بر شهر مفهومی نظری است که عملیاتی کردن آن، مناسبات کلان اقتصادی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. از طرفی داده‌ای با هدف ارزیابی حق بر شهر منتشر نمی‌شود و تنها راه بررسی این مفهوم، فرآوری داده‌های موجود یا مشاهده فضاهای شهری است. برای مطالعه حق بر شهر کودکان در کرمانشاه، مقوله‌هایی مانند فضای سبز و امکانات بازی در آن‌ها، خدمات سرگرمی کودکان، آموزش و مهارت‌آموزی فنی، علمی یا هنری و برخی داده‌های قابل مشاهده برای ارزیابی درمان و تغذیه کودکان دو محله مقایسه شدند.

۱-۴. فضای سبز و بازی

فضای سبز شهری^۱، نوعی از پهنه‌های کاربری زمین شهری با پوشش گیاهی انسان‌ساخت است که هم دارای بازدهی اجتماعی و هم بازدهی اکولوژیک است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲). با تمرکز برخی فعالیت‌های جانبی فرهنگی یا بازی و سرگرمی در این مکان‌ها، این فضاها نقش مهمی در حیات اجتماعی شهر بازی می‌کنند. فضای بازی از اولویت‌های اصلی حق کودکان بر شهر است. تفکیک شهر به معبر و مسکن، فضای سبز را که امکانات بازی هم فراهم کند، به تنها محل پیوند شهر و کودک بدل می‌کند. فضای سبز به‌خودی‌خود برای کودکان جذاب نیست، مگر اینکه امکان بازی و تعامل را فراهم کند. از این جهت آن دسته از فضاهای سبز برای کودک پارک محسوب می‌شود که امکان بازی و سرگرمی را فراهم کند. بازی‌ها انواع متفاوتی دارند که از خاک‌بازی تا سرگرمی‌هایی مثل تاب و سرسره را دربرمی‌گیرد. در جدول‌های ۱ و ۲ فضای سبز و امکانات بازی آن‌ها در دو منطقه مورد بررسی معرفی شده‌اند.

جدول ۱. فضای سبز و بازی منطقه ۱ (محله‌های ۲۲ بهمن، برق، صد دستگاه)

نام بوستان	مساحت (م.م)	تاب	سرسره	الاکلنگ	آلاچیق	نورافکن	صندلی یا میز و نیمکت	نگهبانی	سرویس بهداشتی	وسیله ورزش همگانی	کف‌پوش (م.م)	آبخوری
زیبا پارک	۷۳۰۰	۲	۴	-	-	-	-	-	✓	۱۸	-	✓
پارک گلشن	۹۷۰۰۰	۷	-	-	۳۰	✓	۷۶	✓	✓	۸۰	۱۱۰۰	✓
پارک کودک	۳۷۰۰	۳	۳	۳	-	✓	۲۳	-	✓	-	۷۰۰	✓
بوستان دریا	۳۰۰۰	۲	۴	۱	-	-	-	-	-	-	۵۰۰	-
کناره غربی	۲۰۰۰	۴	۴	-	۲	✓	-	-	-	۲۰	۵۰۰	-
بوستان گلریزان	۵۷۰۰	۴	۴	۴	-	-	۱۶	-	-	-	۱۰۰۰	-
بوستان پونه	۹۰۰	۳	۲	۱	-	✓	۶	-	-	-	۳۰۰	-
پارک درخشان غربی	۳۱۰۰	۴	۴	۱	-	✓	۱۵	-	✓	-	۵۰۰	-
بوستان چکاوک	۲۷۰۰	-	۴	۲	۲	✓	۱۶	-	-	۷	۱۲۰	-

۱. فضای سبز غیرشهری نیز از انواع پارک‌ها در بیرون شهر است که مفروضات خاص خود را دارد و بیرون از تعریف این پژوهش قرار می‌گیرد.

نام بوستان	مساحت (م.م)	تاب	سرسره	الاکلنگ	آلاچیق	نورافکن	صندلی یا میز و نیمکت	نگهبانی	سرویس بهداشتی	وسیله ورزش همگانی	کفپوش (م.م)	آب‌خوری
بوستان نسترن	۲۴۰۰	۲	۲	۲	-	-	۹	-	-	-	۵۰۰	-
بوستان پرنیان	۲۹۰۰	۲	۶	-	-	✓	۱۲	-	-	۸	۴۰۰	-
پارک درخشان	۴۰۰۰	۲	۶	۲	-	✓	۲۵	-	-	-	۶۰۰	-
جمع	۱۳۴۰۰	۳۵	۴۳	۱۶	۳۴	۸	۱۹۷	-	۴	۱۳۲	۶۳۰۰	۲

جدول ۱ آمار و اطلاعات پارک‌های دارای فضای بازی کودکان در سه محله منطقه ۱ را به تفکیک تعداد امکانات بازی و تجهیزات آن‌ها نشان می‌دهد. ۱۲ پارک دارای فضای بازی در این محله‌ها وجود دارند^۱ که مساحت آن‌ها در مجموع ۱۳۴ هزار و ۷۰۰ مترمربع است. تعداد پارک‌ها نشان‌دهنده توزیع پارک‌ها در محله‌ها و امکان دسترسی همسایگان به آن‌ها است. فضای سبز باید تا شعاع ۴۰۰ متر ساکنان همجوار را پوشش دهد تا پارک همسایگی نامیده شود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳). به نقل از صدرنوری، (۱۳۷۱: ۱۵۱). در کشورهای مختلف، فضای سبز هر شهروند ۱۵ تا ۵۰ مترمربع در نظر گرفته می‌شود. البته این رقم در آلمان، سوئد و دانمارک تا ۶۰ متر هم می‌رسد (همان). در ایران از ۷ تا ۱۲ متر برای شهرهای مختلف گزارش شده که این رقم برای کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ حدود ۶/۷ مترمربع بوده است (همان: ۶۱).

در پارک‌های این محله‌ها ۳۵ تاب، ۴۳ سرسره و ۱۶ الاکلنگ وجود دارد که به نسبت تعداد پارک‌ها پراکنش برابر دارد. گونه‌های وسایل بازی کودکان در این منطقه نیز تنوع زیادی دارد و عموماً از جنس پلاستیک فشرده است. زمین بازی کودکان این پارک‌ها با ۶۳۰۰ مترمربع کفپوش تجهیز شده‌اند که امنیت بازی کودکان را افزایش می‌دهند. سایر تجهیزات پارک‌های این محله‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده است. گزارش آمار به شکل سرانه، کمکی به تدقیق وضع موجود نمی‌کند و جزئیات دسترسی گروه‌ها و تفاوت شرایط بهره‌برداری آن‌ها را پنهان می‌سازد؛ بنابراین در این مقاله جز به‌ضرورت و مگر در جایی که تصویر دقیقی از وضعیت ارائه کند، به آمار سرانه اشاره نمی‌شود.

جدول ۲. فضای سبز و بازی منطقه ۷ (محله‌های بلوار، تعاون، حکمت‌آباد، مرادحاصل، باغ‌ابریشم و چقاکبود)

نام بوستان	مساحت (م.م)	تاب	سرسره	الاکلنگ	آلاچیق	نورافکن	صندلی یا میز و نیمکت	نگهبانی	سرویس بهداشتی	وسیله ورزش همگانی	کفپوش (م.م)	آب‌خوری
بوستان دانشجو	۲۳،۰۰۰	۲	۸	-	-	✓	۸۰	✓	✓	۲۰	۸۰	✓
بوستان حافظ	۱۱،۰۰۰	۴	۵	۱	۲	✓	۲۷	-	-	۱۰	۱۲۰	-

۱. فضاهای سبز فاقد تجهیزات بازی کودک در آمار محله‌های مورد بررسی این تحقیق لحاظ نشده‌اند؛ زیرا برخی فضاهای سبز که در حاشیه بزرگراه‌ها یا داخل معابر (مانند بلوارها) قرار دارند و از تجهیزات بازی کودکان خالی هستند، مورد استفاده کودکان نیستند و اگر آمار آن‌ها وارد تحلیل شود، وضع موجود فضای سبز مورد استفاده کودکان تحریف می‌شود.

نام بوستان	مساحت (م.م)	تاب	سرسره	الاکلنگ	الاجیق	نورافکن	صندلی یا میز و نیمکت	نگهبانی	سرویس بهداشتی	وسیله ورزش همگانی	کفپوش (م.م)	آبخوری
بوستان چمبشیر	۹۰۰۰	-	۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-
بوستان رودکی	۴۵۰۰	-	۲	-	-	-	۲۰	-	-	۹	۲۹	-
بوستان نشاط	۵۵۰۰	۲ ناقص	۲	-	-	✓	-	-	-	-	۶	-
بوستان نسیم	۳۷۰۰	-	-	-	-	-	۱۲	-	-	۶	-	-
جمع	۵۶,۷۰۰	۸	۲۲	۱	۲	✓	۱۳۹	✓	✓	۴۵	۲۲۹	✓

در جدول ۲ آمار فضای سبز و بازی در محله‌های منطقه ۷ معرفی شده است. مجموع مساحت شش پارک دارای فضای بازی در این محله‌ها ۵۶ هزار و ۷۰۰ مترمربع است. ۸ تاب و ۲۲ سرسره در این پارک‌ها و ۲۲۹ مترمربع کفپوش از جمله تجهیزات فضای سبز این محله‌ها است. تعداد پارک‌ها گویای دسترسی همسایگی به فضای سبز و بازی برای کودکان این محله است. دلالت دیگر این داده‌ها نوع بازی و سرگرمی کودکان این محله‌ها را آشکار می‌کند. بوستان دانشجو و حافظ جزو محله‌های مورد بررسی نیستند، اما از سوی ساکنان این محله‌ها مورد مراجعه و استفاده هستند. درمورد برخی تجهیزات این پارک‌ها باید گفت استفاده از آن‌ها تابع فضای کلی محله است؛ برای مثال نورافکن در پارک‌هایی به‌عنوان تجهیزات قابل محاسبه است که دارای زیست شبانه باشد. برخی از امکانات بازی کودکان نیز در این محله به‌دلیل سرقت یا خرابی وسایل، ناقص و غیرقابل استفاده هستند. در ادامه داده‌های آموزش و خدمات سرگرمی دو محله، این تصویر را دقیق‌تر می‌کند.

در مقایسه فضای سبز و بازی دو منطقه مورد بررسی، تفاوت چشم‌گیر دو منطقه آشکار است. در منطقه ۱ تعداد پارک‌ها امکان دسترسی محله‌ای برای کودکان را فراهم می‌کند و فراوانی آن سبب تراکم کمتر جمعیت می‌شود و امکان استفاده همه مراجعان را تأمین می‌کند. در منطقه ۷ عملاً به‌دلیل نبود وسایل بازی، فضای سبز و امکان استفاده از سایر محاسن فضای آزاد از کودکان سلب می‌شود. در داده‌های مربوط به امکانات بازی و سرگرمی خصوصی، تفاوت از این هم شدیدتر است. در منطقه ۱، چهار شهربازی و در منطقه ۷ فقط یک شهربازی خصوصی وجود دارد که این دو به‌لحاظ کیفیت بازی‌ها قابل مقایسه نیستند. در منطقه ۱، یازده گیم‌سنتر بازی‌های کامپیوتری و اینترنتی وجود دارد و کودکان و نوجوانان از مشتریان مهم آن‌ها هستند. مابه‌ازای این نوع بازی در منطقه ۷ فقط پنج کلوب است که فوتبال دستی و بازی‌های ps4 را ارائه می‌کنند. فروشگاه‌های عرضه کارتون و فیلم، هشت مورد در منطقه ۱ به ازای سه مورد در منطقه ۷ هستند. اسباب‌بازی‌فروشی نیز از دیگر خدماتی است که وضعیت کودکان در هر محله را توضیح می‌دهد: ده فروشگاه در منطقه ۱ و چهار فروشگاه در منطقه ۷.^۱

۱. تفاوت کیفی در تعداد اسباب‌بازی‌فروشی‌ها روشن نیست؛ برای مثال اسباب‌بازی‌فروشی‌های منطقه ۱، وسایلی با قیمت تا ۱۰ میلیون را برای فروش عرضه می‌کنند؛ درحالی‌که گران‌ترین اسباب‌بازی در منطقه ۷ کمی بیش از ۴۰۰ هزار تومان قیمت دارد.

دو نکته نیازمند توضیح بیشتر است. اول اینکه تعداد این خدمات به‌تنهایی تفاوت مناطق را نشان نمی‌دهد، بلکه کیفیت خدماتی که ارائه می‌دهند تعیین‌کننده است. دوم اینکه اگرچه خدماتی از این دست حق کودکان بر شهر نیست، نشان‌دهنده استیلاست کودکان هر منطقه در برخورداری از خدمات سن کودکی است. این داده‌ها به درک نحوه تحقق حق برشهر کودکان کمک می‌کند و اهمیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده کودکان در این حق را توضیح می‌دهد. براین اساس حق برشهر به مناسباتی فراتر از شهر و فضای آن، و به مناسبات کلان توزیع امکانات و منابع ارجاع دارد.

۲-۴. آموزش

آموزش از مهم‌ترین محورهای حق کودک بر شهر و بستری برای جامعه‌پذیری و یادگیری مهارت‌های مهم زندگی است. هرچند به تکرار، باید تأکید کرد حق برشهر ابزاری برای سنجش مناسبات اقتصاد سیاسی است که توزیع امکانات و منابع را اندازه می‌گیرد و از این جهت مبنای تحقق حقوق کودکان است. در این بخش از تحقیق، هم آموزش رسمی و هم آموزش‌های مهارتی و ذوقی برای پرورش روانی کودکان بررسی می‌شود. آموزش به‌دلیل اهمیتش در تخصیص فرصت‌های زندگی، مؤلفه اصلی حق کودکان بر شهر است، اما کالایی‌سازی آموزش در ایران، آن را از حالت کالایی عمومی خارج کرده و عملاً در دسترس کسانی است که توان خرید آن را دارند. آموزش عمومی در رقابت با آموزش خصوصی از کیفیت تهی شده و دانش‌آموزان مدارس دولتی در رقابت‌های آموزشی، از دسترسی به موقعیت‌های بالاتر بازمی‌مانند که بازتولید نابرابری موجود کمترین اثر آن است و شکلی از نقض آشکار حقوق کودکان محسوب می‌شود. به‌علاوه اینکه آموزش رسمی، به حداقل آموزش‌ها بدل شده و مهارت‌های تکمیلی برای رقابت‌های خاص مانند کنکورهای مختلف، آموزش دولتی را از رسمیت و مرجعیت انداخته است. آموزش، دیگر یادگیری مهارت‌های علمی نیست و به مناسک موفقیت در کنکور بدل شده است. این وضعیت که حاصل اقتصاد سیاسی مستقر است، طبقات فرودست را در چرخه محرومیت به دام می‌اندازد و مدام بازتولید می‌شود. داده‌های آموزشی دو منطقه مورد مطالعه، شاهدهی بر این مدعا است. با وجود دشواری تهیه داده‌های تغذیه و بهداشت کودکان، داده‌های آموزش می‌تواند گواهی بر توزیع این خدمات و همچنین سایر خدمات مربوط به کودکان در شهر باشد؛ همچنان که داده‌های فضای سبز و بازی نیز در این راستا قابل تأویل است. در جدول ۳ علاوه بر مدارس، همه انواع مؤسسات آموزشی دو منطقه مقایسه شده‌اند.

جدول ۳. مؤسسات آموزشی و مهارت‌آموزی محله‌های مورد مطالعه

منطقه ۷	منطقه ۱	مؤسسه	منطقه ۷	منطقه ۱	مؤسسه
-	۱۲	آموزش تخصصی موسیقی کودک	۰	۰	دولتی
۲	۳	مؤسسه قرآنی	۶	۵	خصوصی
۱	۹	کتاب‌فروشی	۰	۰	دولتی
۰	۴	آموزش مهارت (خیاطی، آشپزی و...)	۷	۲۴	خصوصی
۰	۲	دانشگاه علمی-کاربردی	۱۴	۴	دولتی
۰	۵	مشاوره روان‌شناختی تحصیلی	۱	۲۶	خصوصی
۲	۹	هنری (نقاشی، بازیگری و...)	۱۲	۳	دولتی
۰	۱	شهرکتاب	۰	۲۲	خصوصی
۰	۱	مدرسه استخردار	۶	۵	دولتی
۰	۳	آکادمی پرورش ذهن	۳	۸	خصوصی
۰	۱	کانون پرورش فکری	۳	۲	دولتی

منطقه ۷	منطقه ۱	مؤسسه	منطقه ۷	منطقه ۱	مؤسسه
۰	۱	پژوهش سرا	۴	۱۱	خصوصی
۰	۲	مؤسسه مهاجرتی	-	۳	دولتی
۰	۱	مؤسسه آموزش عالی آزاد	۲	۱۰	خصوصی
۴	۳۴	آموزشگاه (کمک تحصیلی و کنکور)	۱	۱	دولتی
۳	۲۰	مؤسسه آموزش زبان	۰	۰	خصوصی
۰	۶	سالن مطالعه (پانسیون مطالعاتی)	۳	۴	دولتی
۰	۱	فرهنگسرا	۰	۰	خصوصی
۰	۱	کتابخانه عمومی			

مقایسه خدمات آموزشی محله‌های مورد مقایسه، بخش مهمی از وضعیت حق بر شهر کودکان و عوامل مؤثر بر آن را آشکار می‌کند. اگرچه آموزش بخشی از فضاهای شهری نیست، بنیان برخورداری کودکان از حق بر شهر است. کیفیت آموزش و برخورداری از آموزش نشان‌دهنده وضعیت موجود حق بر شهر کودکان است.

مهدکودک و پیش‌دبستانی در ایران، آموزش رسمی محسوب نمی‌شوند؛ به طوری که دولت آن را از شمول آموزش عمومی بیرون گذاشته و خود را از این وظیفه معاف کرده است؛ در حالی که مهدکودک و پیش‌دبستانی نقش مهمی در موفقیت دانش‌آموزان در مقاطع بعدی تحصیلی دارند؛ بنابراین شرکت در این دوره‌های پیش از آموزش رسمی، تماماً به تمکن مالی خانواده‌های کودکان وابسته است. نرخ پوشش پیش‌دبستانی در ایران ۴۲ تا ۵۸ درصد و نرخ ثبت‌نام ناخالص ۳۵ درصد اعلام شده است. نرخ مشارکت دولت در مقطع پیش‌دبستانی صفر بوده است (کریمیان، ۱۳۹۹: ۲۳)؛ بنابراین مهدکودک و پیش‌دبستانی‌های موجود خصوصی هستند. گرچه مجوزهای تأسیس این مراکز با نظر آموزش و پرورش یا بهزیستی صادر می‌شود. براساس اطلاعات جدول ۳، در منطقه ۱ شش مهدکودک خصوصی و در منطقه ۷ پنج مهدکودک خصوصی فعالیت می‌کنند. با توجه به مناسبات خانوادگی کرمانشاه، تعداد مهدکودک‌ها برای ارزیابی حق بر شهر کودکان قابل تحلیل نیست و در تفسیر آن، این احتیاط ضروری است که کودکان بیشتر در محیط خانه وقت می‌گذرانند تا محیط‌هایی مانند مهدکودک. مقطع پیش‌دبستانی از این جهت تحلیل دقیق‌تری از وضعیت به‌دست می‌دهد. در منطقه ۱، تعداد ۲۴ پیش‌دبستانی خصوصی و در منطقه ۷، تعداد ۷ پیش‌دبستانی فعال هستند. در هر دو منطقه بسیاری از پیش‌دبستانی‌ها در دبستان‌ها دایر هستند. به همین دلیل آمار مدارس ابتدایی دوره اول با آمار پیش‌دبستانی‌ها قرابت دارد. تعداد پیش‌دبستانی‌های دایر، میزان دسترسی کودکان به آموزش‌های مقدماتی ورود به مدرسه را نشان می‌دهد.

در مقطع دبستان دوره اول نیز همین رابطه برقرار است؛ به طوری که ۳۰ دبستان در منطقه ۱ وجود دارد که ۲۶ مورد از آن‌ها خصوصی و ۴ مورد دولتی هستند. در منطقه ۷ نیز ۱۵ دبستان دوره اول دایر است که ۱۴ مدرسه دولتی و ۱ مدرسه خصوصی است. تفاوت تعداد مدارس به‌جز دلالت خود، به کیفیت آموزش نیز راجع است؛ تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌های مدارس خصوصی به‌مراتب کمتر از مدارس دولتی است.

آمار دبستان دو منطقه، داده‌های پیش‌دبستانی و مهدکودک‌ها را نیز تفسیر می‌کند. به دلیل هزینه آموزش خصوصی، حضور کودکان در مقاطع پیش از تحصیل در منطقه ۷ بسیار اندک است. در دبستان نیز در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند و تعداد مدارس خصوصی در این منطقه ناچیز است. در مقابل آمار مدارس دولتی در منطقه ۱ بسیار کمتر از مدارس دولتی است که گویای تفاوت دسترسی کودکان دو منطقه به آموزش کیفی است. این تحلیل، داده‌های مقطع دبستان دوره دوم را نیز توضیح می‌دهد.

در مقطع دبستان دوم شش مدرسه خصوصی و سه مدرسه دولتی در منطقه ۱ دایر هستند، اما همه ۱۲ مدرسه منطقه ۷ دولتی هستند. در دوره متوسطه دوم ۱۱ مدرسه منطقه ۱ خصوصی و ۲ مدرسه دولتی برقرار است و در منطقه ۷ نیز ۴ مدرسه خصوصی و ۳ مدرسه دولتی دایر است. دو باب از مدارس متوسطه خصوصی منطقه ۷ نیز وابسته به دانشگاه رازی است و بدون شهریه، دانش‌آموزان مستعد را جذب می‌کند.

مقایسه تعداد مدارس خصوصی منطقه ۱ و ۷ وضعیت حق آموزش کودکان در شهر را نشان می‌دهد. در تحلیل آموزش، کیفیت آن تعیین‌کننده است و دسترسی به آموزش به‌تنهایی وضعیت کودکان را توضیح نمی‌دهد. خصوصی‌سازی آموزش و دسترسی به یادگیری باکیفیت، حق‌برشهر کودکان را مخدوش می‌کند و از آنجا که آموزش و مراتب آن معیار توزیع فرصت‌های زندگی است، تبعیض آموزشی، بنیان سایر نابرابری‌ها محسوب می‌شود. بخش مهمی از تفاوت کیفیت آموزش دو منطقه در تعداد مدارس منعکس شده است. از ۳۰ دبستان اول منطقه ۱، تعداد ۲۶ مدرسه خصوصی و ۴ مدرسه دولتی است. اما از ۱۵ مدرسه مقطع دبستان اول منطقه ۷، تعداد ۱۴ مورد دولتی است و با توجه به جمعیت برابر دو منطقه و تعادل جمعیت دانش‌آموزی آن‌ها، تعداد مدارس منطقه ۱ دو برابر مدارس منطقه ۷ است. به این معنا که جمعیت کلاس‌های مدارس خصوصی بسیار کمتر از جمعیت کلاس‌های مدارس دولتی است که گویای تفاوت کیفیت آموزش این دو منطقه هم هست. این رابطه در سایر مقاطع نیز برقرار است. در مجموع مدارس خصوصی در منطقه ۱ بسیار بیشتر از مدارس دولتی در همه مقاطع است که گویای نابرابری آموزشی دو منطقه با توجه به کیفیت آموزش در مدارس دولتی و خصوصی است که وضعیت رقابت آن‌ها در کنکور و آینده شغلی را نیز توضیح می‌دهد.

نابرابری آموزشی دو منطقه، در بررسی مؤسسات کمک‌آموزشی روشن‌تر می‌شود. در منطقه ۱ تعداد ۳۴ مؤسسه کمک‌آموزشی (در مقابل ۳ مؤسسه در منطقه ۷) فعال هستند که تعداد زیادی از آن‌ها در مدارس خصوصی مستقر هستند. این مؤسسات عملاً به بنگاه‌های تأمین خدمات جامع آموزشی بدل شده‌اند و از خدمات سالن مطالعه تا مشاوره روان‌شناختی تحصیلی، مهارت‌کنکور و تست‌زنی تا اردوهای آمادگی امتحانات خاص را ارائه می‌دهند. با این وصف رقابت برابر دانش‌آموزان مدارس دولتی با مدارس خصوصی در کنکور به افسانه شباهت دارد. در سال ۱۳۹۹ بیش از ۹۰ درصد رتبه‌های زیر سه هزار کنکور به مدارس غیردولتی تعلق یافت و مدارس دولتی ۱۰ درصد این رتبه‌ها را کسب کردند؛ درحالی‌که ۵۴ درصد دانش‌آموزان در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۰۰: ۳۶).

۳-۴. بهداشت، درمان و تغذیه

در خدمات بهداشت و درمان، داده‌های مشاهده‌شده براساس تعداد داروخانه، پزشکان، درمانگاه و خدمات بهداشتی در جدول ۴ آمده است. ۱۹ درمانگاه در منطقه ۱ و ۳ درمانگاه در منطقه ۷ فعال هستند. ۶۹ مطب و ۱۳ کلینیک تخصصی دندانپزشکی در منطقه ۱ فعال‌اند، اما در منطقه ۷ تعداد ۷ مطب و ۱ کلینیک دندانپزشکی فعالیت می‌کنند. در منطقه ۱، تعداد ۱۶ مرکز توان‌بخشی و فیزیوتراپی وجود دارد و برای منطقه ۷، این تعداد ۳ مورد است. در منطقه ۱، تعداد ۲۵ داروخانه وجود دارد که برای منطقه ۷، این رقم ۱۳ است. همچنین در منطقه ۱، تعداد ۱۱۲ پزشک با انواع تخصص مستقرند و ۱۰ کلینیک تخصصی دایر است. برای منطقه ۷، این تعداد ۴۳ پزشک متخصص و ۱ کلینیک تخصصی است.

جدول ۴. خدمات سلامت در محله‌های مورد مقایسه

منطقه ۷	منطقه ۱	
۱	۱۲	درمانگاه
۲	۷	درمانگاه شبانه‌روزی
۱۱	۲۱	داروخانه
۲	۴	داروخانه شبانه‌روزی
۱۵	۸۳	پزشک عمومی
۷	۶۹	دندان‌پزشک
۱	۱۳	کلینیک دندان‌پزشکی
۴۳	۱۱۲	پزشک متخصص
۱	۱۰	کلینیک تخصصی
۳	۱۶	فیزیوتراپی و توان‌بخشی
۱	۴	آزمایشگاه
۰	۱۶	کلینیک زیبایی
۳	۲۰	مرکز مشاوره
۰	۷	رادیولوژی
۶	۱۰	مامایی
۵	۸	درمان سوء‌مصرف مواد

خدمات درمانی در کرمانشاه محله‌محور نیست. به همین دلیل بیمارستان‌های هر محله از تحلیل کنار گذاشته شدند. با این همه، تعداد برخی از خدمات درمانی اورژانسی مانند درمانگاه و داروخانه گویای تفاوت دو محله مورد بررسی است. این تفاوت زمانی گویا می‌شود که برخی خدمات بهداشتی مانند دندان‌پزشکی، مشاوره، فیزیوتراپی و کلینیک زیبایی در دو محله مقایسه شوند. خدماتی از این دست که به بهداشت و پیشگیری مربوط است، در محله‌های برخوردار توجیه اقتصادی بیشتری دارد که شاهدهی برای توان ساکنان در خرید خدمات بهداشتی و درمانی است.

خدمات درمانی مختص کودکان نیست، اما مراکز دندان‌پزشکی کودکان در منطقه ۱، شش مورد است. در مقابل در منطقه ۷، یک کلینیک و هفت مطب دندان‌پزشکی دایر هستند. خدمات مشاوره به گونه‌های مختلف تحصیلی و روان‌شناختی در منطقه ۱، هفت برابر منطقه ۷ است.

درمورد تغذیه کودکان آماری وجود ندارد و تنها از برخی شواهد می‌توان وضعیت آن را توضیح داد؛ برای مثال در منطقه ۱ بیش از ۴۰ قصابی و مغازه فروش گوشت و محصولات پروتئینی وجود دارد، اما در منطقه ۷ فقط ۱۹ قصابی وجود دارد. در منطقه ۷، تعداد ۵۴ مغازه فروش مرغ زنده یا پرکنده وجود دارد که این تعداد در منطقه ۱ فقط ۱۳ مورد است. البته داده‌های تغذیه برای قضاوت نهایی کافی نیست، اما داده‌های دیگری برای سنجش این شاخص منتشر نمی‌شود و مشاهده آن نیز امکان‌پذیر نیست. به هر ترتیب با توجه به بافت کلی مناطق مورد مطالعه می‌توان داده‌های موجود را مطالعه کرد.

قیمت زمین و مسکن شاخص مناسبی برای مقایسه دو محله در فهم وضعیت حق برشهر کودکان در این محله‌ها است. قیمت یک متر آپارتمان نوساز در منطقه ۱ از ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان است. این رقم در منطقه ۷ از ۵ تا ۱۷ میلیون است. قیمت خانه ویلایی در منطقه ۱ کمتر از ۵۰ میلیون برای هر مترمربع نیست، ولی منازل ویلایی منطقه ۷ در هر متر قیمتی بین ۱ تا ۱۰ میلیون دارند^۱.

۵. نتیجه‌گیری

پدیده اجتماعی امری کلی است و امکان تفکیک آن از پیکره مناسبات اجتماعی وجود ندارد. براین اساس حق برشهر کودکان نیز از مناسبات کلان اقتصادی و اجتماعی مستقل نیست. داده‌های این پژوهش که حاصل مشاهده میدانی است نشان داد تفاوت عمده‌ای میان مناطق برخوردار و غیربرخوردار شهر در مؤلفه‌های مربوط به حق برشهر کودکان وجود دارد.

تفاوت کیفیت آموزش برای کودکان دو منطقه در مقایسه سایر انواع آموزشگاه و مؤسسات مهارت‌آموزی نیز آشکار است. در منطقه ۱، تعداد ۳۴ آموزشگاه تحصیلی، ۱۲ مؤسسه موسیقی کودکان و ۲۰ مؤسسه آموزش زبان‌های خارجی وجود دارد، ولی در منطقه ۷ فقط ۴ آموزشگاه و ۳ مؤسسه زبان انگلیسی دایر است.

بر همین اساس می‌توان گفت حق برشهر محدود به مختصات کالبدی و فضای سبز و بازی نیست و رفع نابرابری در این حق، فقط موکول به سرانه برابر فضای سبز یا تعداد مدارس نیست، بلکه منوط به کاهش نابرابری میان خانوارها است. نابرابری موجود که در حق برشهر نیز بازتاب یافته است، حاصل مناسبات و ترتیبات کلان در توزیع فرصت برابر کودکان در شکوفایی و رشد اجتماعی است. حتی اگر کالبد شهری عادلانه طراحی شود و فضای سبز و بازی و آموزش به شکل برابر در جامعه توزیع شود، هنوز تحقق حق برشهر را تضمین نمی‌کند؛ زیرا مفهوم کودکی و تلقی از آن، براساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده کودک تعیین می‌شود. همین که کودکی به مثابه دوره‌ای مستقل از زندگی تلقی شود که در آن کودک موجودی ناقص نباشد، از حقوقی برخوردار باشد، اجازه و وقت کودکی کردن را داشته باشد و سن کودکی تا هجده‌سالگی به رسمیت شناخته شود، منوط به توان اقتصادی خانواده است.

با این اوصاف تحقق حق برشهر کودکان موکول به افزایش پایگاه اقتصادی خانواده‌ها است که خود نتیجه برابری سطح کلان در مناسبات اقتصاد سیاسی و برخورداری از سهم بیشتری از ثروت در جامعه است تا حداقل‌هایی نظیر آموزش، بازی، بهداشت و تغذیه برای همه کودکان فراهم باشد. در جامعه نابرابر، مفاهیمی از این دست نباید نابرابری در سطوح بنیانی را پنهان کند. از این جهت حق برشهر، خود وصف برابری در سطح کلان است و رفع نابرابری با تأمین حق برشهر تضمین نمی‌شود، بلکه به عکس با تأمین «حق بر زندگی» همه کودکان، حق برشهر نیز تأمین می‌شود. هر تحلیل از نابرابری در سطوح و حوزه‌های مختلف باید نابرابری اساسی در وضعیت اقتصادی را تحلیل کند که جز از مسیر تحلیل مناسبات اقتصاد سیاسی ممکن نخواهد بود.

در مثالی مشابه داگلاس بلک (۱۹۸۱) و میکائیل مارموت (۲۰۱۰) در مطالعه علت تفاوت‌های سلامت کودکان در انگلستان به این نتیجه رسیدند که تغذیه مهم‌ترین عامل در تعیین سلامت کودکان است و بهبود تغذیه فقط با افزایش دستمزد سرپرستان خانوار امکان‌پذیر می‌شود؛ بنابراین حتی اختصاص بودجه به پایین‌ترین لایه‌های اقتصادی جامعه نیز افزایش سطح سلامت را تأمین نمی‌کند، بلکه سطح عمومی جامعه باید به لحاظ اقتصادی ارتقا یابد تا سلامت نیز بهبود پیدا کند. بر همین قیاس می‌توان گفت حتی فضای کالبدی برابر بازی، آموزش و سرگرمی کودکان حق برشهر آنان را تضمین نمی‌کند، بلکه ارتقای سطح اقتصادی جامعه را نیز از رهگذر کاهش نابرابری حق برشهر کودکان تضمین می‌کند.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- رستمی، مسلم، بهمن اورامانی، مظفر و خانه‌آباد، ناصر (۱۳۹۰). تحلیل پراکنش فضایی پارک‌های منطقه یک شهر کرمانشاه با استفاده از GIS. چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، ۶(۱۵)، ۵۰-۶۹.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۴۰۰). جایگاه اقتصادی و اجتماعی استان‌ها در آیینة آمار. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و شعبان، مریم (۱۳۹۹). شرق‌شناسی وارونه حقوق کودک با تأکید بر حقوق کودک ایرانی-اسلامی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹(۴)، ۹۶۷-۹۹۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2020.295848.1004>
- صدرنوری، بهنام (۱۳۷۱). مقدمه‌ای بر کاربرد هنر در احداث فضای سبز. مجموعه مقالات سمینار فضای سبز. تهران: نشر سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری تهران.
- غلامی، حسین و غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۹). جرم حکومتی، رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: کودکان خیابانی شهر تهران). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹(۲)، ۴۹۷-۵۱۸. <https://doi.org/10.22059/jisr.2020.269235.772>
- فرهادی، محمد و میری، ندا (۱۴۰۲). رابطه بودجه دولتی و توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌های کشور. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴(۵۶)، ۱۶۵-۱۸۴. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2022.65870.2309>
- کریمیان، جلال (۱۳۹۹). فقر و نابرابری در آموزش و پرورش. دفتر مطالعات اجتماعی. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل آماری رتبه‌های برتر کنکور ۱۳۹۹ با رویکرد برابری و عدالت آموزشی. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- وزارت کشور (۱۳۹۷). دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک، اصول، ویژگی و ضوابط راهبردی برای شهرداری‌ها. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. معاونت امور شهرداری‌ها و دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری.
- Aytac, F. K. (2021). Children's right to the city: The case of street children. *International Sociology*, 36(4), 605-622. <https://doi.org/10.1177/0268580920966836>
- Black, D. (1980). *Inequalities in health. The Black Report: a summary and comment*. London: DHSS. <https://www.sochealth.co.uk/national-health-service/public-health-and-wellbeing/poverty-and-inequality/the-black-report-1980/>
- Boyden, J. (1997). *Childhood and the Policy Makers: A Comparative Perspective on the Globalization of Childhood*. In "Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood". Eds Allison James & Alan Prout. London: Falmer Press.
- Brewer, J. (2003). *Comparative Analysis*. In "The A-Z of Social Research: A Dictionary of Key Social Science Research Concepts". Eds Robert L. Miller & John D. Brewer. London: Sage.
- Country Program and Budget Organization (2021). *The economic and social position of the provinces in the mirror of statistics*. Tehran: National Program and Budget Organization. (In Persian)
- Cushing, D. F., & Vliet, W. (2016). Children's right to the city: the emergence of youth councils in the United States. *Children Geographies*, 15(3). <http://dx.doi.org/10.1080/14733285.2016.1244602>
- Farhadi, M., & Miri, N. (2023). The relationship between the government budget and the economic and social development of the country's provinces. *Social Development and Welfare Planning*, 14(56), 165-184. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2022.65870.2309> (In Persian)
- Gholami, H., & Gholami, N. (2019). Government crime; A new approach in the analysis of social harms (case study: street children of Tehran). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 9(2), 497-518. <https://doi.org/10.22059/jisr.2020.269235.772> (In Persian)
- Harvey, D. (2008). The Right to the City. *New Left Review*, 53.

- Hendrick, H. (1997). *Constructions and Reconstructions of British Childhood: An Interpretative Survey, 1800 to the Present*. In "Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood". Eds. Allison James & Alan Prout. London: Falmer Press.
- Jamshidiha, G., & Shaaban, M. (2019). Inverted orientalism of child rights with an emphasis on Iranian-Islamic child rights. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 9(4). 967-994.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2020.295848.1004> (In Persian)
- Jupp, V. (2006). *Comparative Method*. In "The Sage Dictionary of Social Science Methods". Ed. Victor Jupp. London: Sage.
- Karimian, J. (2019). *Poverty and inequality in education*. Office of Social Studies. Tehran: Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare. (In Persian)
- Lefebvre, H. (1996). *Writings on cities*. Selected and Translated by: E. Kofman & E. Lebas. Oxford: Blackwell.
- Marmot, M. (2010). *Fair Society, Healthy Lives; the Marmot Review*. Executive summary. Strategic Review of Health Inequalities in England post-2010.
- Ministry of Education (2021). *Statistical review and analysis of the top ranks of the entrance exam of 2019 with the approach of equality and educational justice*. Deputy of resource planning and development. Tehran: Ministry of Education. (In Persian)
- Ministry of Interior (2017). *Guidelines for child-friendly cities; Principles, characteristics and strategic criteria for municipalities*. Organization of municipalities and villages of the country. Deputy Municipal Affairs and Urban Development Planning and Management Office. (In Persian)
- Muncie, J. (2006). *Critical Research*. In "The Sage Dictionary of Social Research Methods". Victor Jupp (Ed). Sage Pub: London.
- Prout, A., & James, A. (1997). *A New Paradigm for the Sociology of Childhood? Provenance, Promise and Problems*. In "Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood". Eds. A. James & A. Prout. London: Falmer Press.
- Rostami, M., Bahman Oramani, M., & Khanehabad, N. (2011). Spatial distribution analysis of parks in district one of Kermanshah using GIS. *Geographical Perspective (Human Studies)*, 6(15), 50-69. (In Persian)
- Sadrnuri, B. (1992). *An introduction to the use of art in the construction of green space*. Proceedings of the green space seminar. Tehran: Publication of Tehran Municipality Parks and Green Space Organization.
- UNICEF (2018). *Child Friendly Cities and Communities Handbook*. United Nations Children's Fund (UNICEF). Child Friendly Cities Initiative.